

## سنجش و بهینه‌سازی آموزش نگارگری در برنامه درسی مقطع کارشناسی صنایع‌دستی

### چکیده

نقاشی ایرانی به‌مثابه میراث فرهنگی، سرمایه نمادین و معنوی ماست که باید در ایجاد شرایط آموزش کارآمد و صحیح آن بکوشیم. پژوهش حاضر تلاش دارد ضمن واکاوی جایگاه نگارگری در آموزش عالی هنرهای سنتی، به ارزیابی و آسیب‌شناسی واحد درسی نگارگری و ارائه راه‌کار جهت بهبود آن در سرفصل مقطع کارشناسی صنایع‌دستی بپردازد. مؤلفان تلاش نموده‌اند تا با بهره‌گیری از رویکرد قیاس در واکاوی واحد درسی در دیگر رشته‌های نظام‌آموزش عالی- هنر یافته‌ها را غنایی دوچندان بخشد. مختصری از یافته‌ها گویای آن است که به دلایل متعدد از جمله عدم تناسب زمان در نظر گرفته‌شده با هدف‌گذاری و ماهیت درس، تعدد رئوس مطالب در دو شاخه تذهیب و نگارگری، عدم توجه به مبحث مهم طراحی، ضعف در شرح درست‌نویسی، عدم تناسب آزمون ارزیابی با اهداف و ماهیت درس؛ می‌توان بیان نمود که شرایط فعلی واحد نگارگری در مقطع کارشناسی مناسب نیست. نکته مهم دیگر موازی‌کاری بسیار، مجزایبودن حوزه‌های نگارگری و تذهیب از صنایع‌دستی و در عین حال کم‌اهمیتی این واحد درسی در سرفصل کارشناسی صنایع‌دستی است. پیشنهادات و راه‌کارهای بهبود و یا جایگزینی واحد متناسب‌تر با هدف‌گذاری رشته به‌صورت منسجم و در قالب متن و پیش‌طرحی برای بازنویسی شرح درس در مقاله ارائه شده‌است.

### اهداف پژوهش:

۱. آسیب‌شناسی جایگاه آموزش نگارگری در سرفصل مقطع کارشناسی صنایع‌دستی.
۲. ارائه راه‌کارها و پیشنهاداتی در راستای بهبود وضعیت.

### سوالات پژوهش:

۱. نقاط ضعف و قوت و ناکارآمدی‌های واحد آموزش نگارگری در مقطع کارشناسی صنایع‌دستی (سرفصل وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) کدام‌اند؟
۲. پیشنهادات و راه‌کارهای بهبوددهنده وضعیت فعلی آموزش نگارگری در مقطع کارشناسی صنایع‌دستی شامل چه مواردی هستند؟

**کلیدواژه‌ها:** برنامه درسی، مقطع کارشناسی صنایع‌دستی، آموزش نگارگری، بهینه‌سازی، پنجم.

## مقدمه

پیشرفت‌های سریع جوامع انسانی در دنیای کنونی، ضرورت ارتقاء سطح توانمندی‌های مهارتی و تخصص‌های ویژه را در کشور ما طلب می‌کند که انجام این مهم در فراگیران، قطعاً تأثیر مطلوب خود را نشان می‌دهد و راندمان و کارایی آن‌ها را دوچندان خواهد کرد. سابقه نقاشی و نگارگری ایرانی به سبب قرابت و اعتقادات آیین‌ها و باورهای دینی مردم همواره از روح واحد و ارزش‌های والا خبر می‌دهد. کوشش به‌منظور احیاء مجدد هنرهای ظریف نگارگری و نقاشی و تلاش در جهت غنی‌سازی نقاشی ایرانی بستگی به کار و فعالیت‌های طراحان و برنامه‌ریزان امور آموزشی-پژوهشی دارد. بر مبنای نقشه جامع علمی کشور و نظرات شماری از صاحب‌نظران، بازنگری، کارآمدسازی و بهینه‌سازی برنامه‌های درسی، سرفصل‌ها و واحدهای آموزشی از جمله ضرورت‌های بسیار شاخص عصر حاضر است. این درحالی است که آسیب‌شناسی وضعیت فعلی آموزش عالی هنرهای سنتی در کشور ایران مبین آن است که بازنگری و به‌روزرسانی منسجم و شاخصی انجام نشده است. لذا به‌طور قطع، در صورت استمرار شرایط فعلی، شاهد تضعیف سیستم آموزش هنرهای سنتی و به‌تبع ناکارآمدی فارغ‌التحصیلان این رشته‌ها خواهیم بود. آموزش عالی صنایع‌دستی به‌عنوان بالاترین سطح آموزش این رشته در کشور ایران مطرح می‌باشد. برنامه درسی مقطع کارشناسی صنایع‌دستی در سال ۱۳۶۶ تدوین شده است و با گذشت بیش از سی سال و با وجود همه تحولاتی که در سطح ملی و بین‌المللی رخ داده است تا به حال بازبینی و بهینه‌سازی بر روی آن انجام نگرفته است.

باید بیان داشت که برنامه آموزشی هر رشته در هر مقطعی را دو بخش اصلی تشکیل می‌دهد که رشته صنایع‌دستی در مقطع کارشناسی نیز مستثنی از این قاعده نمی‌باشد. نخست بحث منابع و اسناد مکتوبی که نقشه‌راه برنامه‌ریزان امر و مدرسان مربوط است، و دوم نحوه اجرای آن سند مکتوب در عمل، با عنایت به اینکه بخش دوم نیازمند مطالعه‌ای عمیق، طولانی، غالباً میدانی و زمان‌گیر بوده و باتوجه‌به این نکته که نحوه اجرا تابع سرفصل مکتوب است. مقاله حاضر تلاش دارد روند پژوهش را با تمرکز بیشتر بر سرفصل فعلی که به نوعی تنها سند مکتوب در دسترس است به پیش ببرد. در ابتدا ضمن ارائه تعریفی مشخص از صنایع‌دستی، جنبش‌های مهم و تاریخچه مرتبط با آموزش صنایع‌دستی را مورد بررسی قرار دهد. در مرحله بعد سرفصل فعلی کارشناسی از حیث بخش‌های مختلف مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است، مرحله مذکور که طبق پیشینه‌یابی مؤلف تاکنون انجام نشده است، زمینه‌ساز آسیب‌شناسی واحدهای موجود در سرفصل است که به‌طور مشخص در این پژوهش نگارگری مقصود است. از جمله بخش‌های دیگر بازشناسی واحد نگارگری در دیگر سرفصل‌های مقطع کارشناسی رشته‌های هنری است. مکمل بخش‌ها در قسمت تحلیل و نتیجه‌گیری و ارائه راه‌کارها و پیشنهادات در راستای بهینه‌سازی در پایان مقاله تعریف شده است.

در حوزه ارزیابی برنامه درسی رشته‌های گوناگون مطالعات مختلفی انجام گرفته است، لیکن در قیاس با پژوهش‌های مذکور تحقیق منسجم و علمی با تمرکز بر ارزیابی و ارائه راه‌کار بهبود در رشته‌های هنری کم‌تر انجام گرفته است. در ادامه مختصری از پژوهش‌های انجام گرفته در حوزه ارزیابی و آسیب‌شناسی برنامه درسی و سرفصل رشته‌های هنری با تمرکز بر صنایع‌دستی ارائه می‌گردد. مقالات ارائه شده در «اولین همایش ملی آموزش عالی هنر» (۱۳۹۱) برگزار گردید نشان می‌دهد ضعف‌های فراوانی در برنامه درسی اکثر رشته‌های هنری و به‌ویژه صنایع‌دستی وجود دارد که عمدتاً ناظر بر عدم کفایت برنامه‌درسی و سرفصل موجود در پرورش و بروز استعداد‌های هنری، عدم امکان بروز ایده‌های خلاق به‌عنوان توانایی‌های سیال ذهن و در نهایت عدم برخورداری دانشجو از توانایی‌های کافی جهت تحقق ایده‌ها و اندیشه‌هایش برای ورود به جامعه است. یافته‌های تحقیق حجازی و کریمی (۱۳۹۱) که از جمله مقالات همایش یاد

شده در فوق نشان می‌دهد اعمال تغییرات کامل و یا اصلاح در عناوین و محتوای دروس برنامه درسی صنایع‌دستی برای نتیجه‌بخش بودن و تناسب با نیازهای دانشجویان و پرورش کیفی مهارت‌ها و رشد خلاقیت دانشجویان این رشته الزامی است. همچنین علی‌نژاد (۱۳۹۱) با تحلیل مؤلفه‌های آموزش خلاقیت و با استفاده از اقدام‌پژوهی در کلاس درس، علل نرسیدن دانشجوی صنایع‌دستی را به مرحله خلاقیت در دروس کارگاهی ناشی از فقدان توجه به مؤلفه‌های بنیادین آموزش خلاقیت در برنامه درسی می‌داند.

ساداتی (۱۳۸۷) همچنین با تحلیل محتوای برنامه صنایع‌دستی، راهکارهای توسعه صنایع‌دستی را لزوماً در گرو تحول و بازنگری در محتوا و سرفصل دروس رشته صنایع‌دستی می‌داند. از جمله معدود پژوهش‌هایی که نیم‌نگاهی به بحث آموزش نقاشی ایرانی در آموزش عالی هنر داشته است می‌توان از مقاله صالحی‌پور (۱۳۹۲) با عنوان «چالش‌های فراموش شده و دلالت‌های آن برای آموزش عالی هنر در نقاشی ایرانی» نام برد، لازم به ذکر اینکه در این مقاله بیشتر مباحث فلسفی حول محور نظریه‌ها سنت، مدرنیسم و پست‌مدرنیسم و تأثیرات احتمالی بر وضعیت آموزش نقاشی ایرانی بحث شده است و از بررسی عینی و دقیق مقوله آموزش نقاشی ایرانی در پژوهش خبری نیست. مطالعه دیگر در این حوزه که با عنوان «جای خالی طراحی در دروس تخصصی رشته صنایع‌دستی»، توسط بیات و کریمی به انجام رسیده است به نوعی یکی از مرتبط‌ترین مطالعات به پژوهش حاضر است دلیل قرابت اشاره به ضعف‌ها و آسیب‌شناسی دروس تخصصی رشته صنایع‌دستی با تأکید بر بخش طراحی است.

مطالبی که در فوق بیان گردید گویای ناکارآمدی برنامه درسی موجود مقطع کارشناسی صنایع‌دستی و ضرورت بازنگری و کارآمدترسازی آن است. باتوجه‌به مطالعات انجام گرفته در راستای پیشینه‌یابی این پژوهش چند نکته قابل‌برداشت است. نخست اینکه غالب پژوهش‌های انجام گرفته، بحث آموزش را در قالب تاریخچه‌ای یا بررسی مبانی نظری به پیش برده‌اند. نکته دوم، اینکه به غیر از معدودی از منابع که بعضاً واحدهای درسی متعلق به برخی از رشته‌ها را به صورت موردی بررسی نموده‌اند، مابقی مطالعات دیدگاه کل‌گرا به موضوع آموزش هنر داشته‌اند؛ و مورد مهم سوم که ناظر بر ضرورت و اهمیت انجام پژوهش حاضر است این نکته است که به نظر می‌رسد در حوزه آسیب‌شناسی واحدهای درسی رشته‌های هنری و به خصوص آموزش نگارگری در مقطع کارشناسی صنایع‌دستی و به تبع آن ارائه پیشنهادات و راه‌کارها جهت بهبود و تقویت آن کم‌تر پژوهشی به انجام رسیده است. با ذکر این نکات امید است که انجام پژوهش‌هایی امثال پژوهش حاضر کارآمد و مفید باشند. پژوهش حاضر از حیث هدف در زمره پژوهش‌های توسعه‌ای قرار می‌گیرد. از حیث روش انجام پژوهش نیز مقاله حاضر در دسته توصیفی-تحلیل قرار می‌گیرد و با رویکرد تطبیقی به انجام رسیده است.

## نتیجه‌گیری

ارزیابی برنامه‌های درسی و به تبع سرفصل‌ها و واحدهای درسی رشته‌های هنرهای سنتی از جمله قلمروهای پژوهشی ضروری و مهم امروزی است. نتایج پژوهش حاضر که تلاشی در راستای این مهم بوده است در دو سطح کلان قابلیت ارائه دارد. سطح نخست ارزیابی و آسیب‌شناسی وضعیت فعلی است که منطبق با پاسخ سؤال نخست مقاله است. در این بخش گزیده‌ای از مهم‌ترین آسیب‌ها و نقاط ضروری جهت اصلاح اشاره می‌گردد. نخست بحث عدم تناسب میزان زمان در نظر گرفته شده با ماهیت درس است که به نظر می‌رسد بهتر است با تشکیل گروه متخصصین زمان‌بندی مورد نیاز برای هر بحث در حوزه نگارگری و تذهیب تعیین گردد. مورد دیگر عدم‌قرارگیری آموزش نگارگری در اولویت رشته

صنایع دستی است، به گونه‌ای که با توجه به گستردگی رشته صنایع دستی از جمله مشکلات این رشته در مقطع کارشناسی کمبود فضا برای قراردادادن واحدهای تخصص موردنیاز و متناسب با نیازهای روز جامعه است. نارسایی مهم دیگری که در این بخش قابل ذکر است کم توجهی به مباحث مهمی همچون طراحی تخصصی و شناخت ابزارآلات تخصصی است، این در حالی است که در بحث هنرهای سنتی یکی از مهم‌ترین بخش‌های قابل تأمل بخش طراحی است. با این وجود، در شرح درس فعلی به این بخش با اهمیت، کم‌تر توجه شده است. مورد دیگر قابل ذکر ارائه تصویری ناکامل و ناصحیح به مخاطبان و دانشجویان است، بدین معنا که با توجه به ضعف‌های متعدد موجود در بخش‌های مختلف آموزش نگارگری و تذهیب در سرفصل مقطع کارشناسی صنایع دستی تصویری ناصحیح از هنر اصیل ایرانی به دانشجویان ارائه می‌گردد که این موضوع مهم تبعات بسیار ناگواری از جمله ترویج اطلاعات غلط در جامعه، دل‌زدگی دانشجویان نسبت به این رشته، ارائه آثار ضعیف از این هنر ریشه‌دار و بسیاری موارد دیگر را در بر خواهد داشت.

نقطه ضعف موجود دیگر عدم مطابقت سرفصل با نیازهای روز جامعه است. اگر در نظر بگیریم که سرفصل فعلی مقطع کارشناسی صنایع دستی در دهه شصت مطابق با نیازهای روز تعریف شده است. در حال حاضر، شرایط کاملاً متفاوت شده است و از جمله مهم‌ترین تفاوت‌ها نسبت به گذشته اضافه‌شدن رشته مستقل کتابت و نگارگری با گرایش‌های مختلف است. طبق دسته‌بندی‌های ارائه شده توسط سازمان‌هایی همچون فرهنگستان هنر و پژوهشکده هنرهای سنتی رشته نگارگری و کتابت مستقل از صنایع دستی مطرح هستند. براین اساس، ماهیتاً توسعه نگارگری در زمره حیطه‌های تخصصی رشته صنایع دستی نیست. عدم برخورداری از شرح درس مناسب و جامع بدین معنا که شرح دستی فعلی واحد درسی نگارگری در وضعیت فعلی دارای اشکالات متعددی است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها هدف‌گذاری غیر شفاف و عدم تفکیک دقیق بخش تئوری و عملی است. از جمله نقاط مهم دیگر این است که دو رشته نگارگری و تذهیب که آموزش هر یک فضایی مستقل را می‌طلبد با یکدیگر ادغام شده‌اند. از جمله ایرادات بزرگ دیگر ترکیب شدن دو رشته نگارگری و تذهیب در سرفصل فعلی است که ضرورت اصلاح اهداف ترسیم شده برای واحد نگارگری و همچنین پیوند خوردن واحد نگارگری با تذهیب با توجه به دو وجه نظری و عملی هر دو رشته باید در دستور کار قرار گیرد. مورد مهم دیگر هم‌پوشانی بسیار واحد با رشته‌های هنری دیگر به خصوص کارشناسی کتابت و نگارگری و هنر اسلامی است. لازم به ذکر است که با توجه به اضافه‌شدن رشته مستقل کتابت و نگارگری و همچنین کارشناسی هنر اسلامی با گرایش نگارگری میزان موازی‌کاری در این سه رشته افزایش یافته است.

در پاسخ به بخش دوم سؤال، می‌توان نکاتی را ذکر نمود. نخست اینکه در سرفصل‌های شاخه هنرهای سنتی و به صورت موردی در دو سرفصل کتابت و نگارگری و همچنین هنر اسلامی جایگاه نگارگری و تذهیب بسیار پررنگ است. به نحوی که به لحاظ کمی در رشته کتابت و نگارگری بیش از ۴۱ درصد کل واحدهای تخصصی و در رشته هنر اسلامی بیش از ۳۴ درصد کل واحدهای تخصصی صرفاً به حوزه نگارگری تخصیص یافته است. لازم به ذکر است که واحدهای مربوط به تذهیب در این درصدها اعمال نشده است که در آن صورت درصدها بیشتر هم خواهد شد. از نظر ترتیب محتوا و کیفیت نیز آموزش نگارگری در بُعد نظری شامل مبانی تاریخی، سبک‌شناسی، آشنایی با هنرمندان و مکاتب شاخص، فن‌شناسی، جوهره این هنر و دیگر موارد که مبانی نظری این شاخه مهم از هنرهای سنتی را تشکیل می‌دهند. در بُعد عملی نیز طی سیری منسجم از مقدمات و سطح آشنایی با ابزار، بوم‌سازی و غیره آغاز گردیده و تا مراحل تخصصی قلم‌گیری، پرداز، چهره‌سازی و غیره پیش می‌رود. این سیر تخصصی و منسجم باعث شکل‌گرفتن تصویری صحیح‌تر از این هنر اصیل ایرانی در ذهن دانشجویان و در عین حال باعث تبحر و مهارت فارغ‌التحصیلان می‌گردد.

در پاسخ به سؤال اصلی دوم پژوهش که در راستای ارائه پیشنهادات و راه کارهای مبنی بر تجزیه و تحلیل آسیب ها و ناکارآمدی های آموزش نگارگری گزیده ای از موارد به همراه توضیحات در جدول ذیل مطرح شده است. رؤس پیشنهادات این پژوهش برای بهبود وضعیت باشد می توان به موارد ذکر شده در جدول ذیل اشاره داشت.

پیشنهادهای در صورت حذف واحد نگارگری	پیشنهادهای در صورت پابرجا ماندن واحد نگارگری
<p>- با در نظر گرفتن ضرورت های رشته و شناخت بهتر وضعیت جامعه معاصر و نیازهای فارغ التحصیلان به ارائه واحدهای منسجم تر در راستای دستیابی به اهداف اصلی رشته از اقدام گردد.</p> <p>از جمله واحدهای پیشنهادی:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>❖ طراحی تخصصی</li> <li>❖ مهارت های کارآفرینی در صنایع دستی</li> <li>❖ مهارت های بازاریابی محصولات صنایع دستی</li> <li>❖ اقتصاد صنایع خلاق فرهنگی</li> <li>❖ مدیریت صنایع کوچک هنری</li> <li>❖ شناخت کاربردی صنایع دستی جهان</li> <li>❖ برندینگ، بسته بندی و تبلیغات آثار صنایع دستی</li> <li>❖ نحوه راه اندازی و مدیریت استارت آپ های صنایع دستی</li> <li>❖ و دیگر واحدهای کاربردی و ضروری برای دانشجویان این رشته کاربردی</li> </ul>	<p>- برنامه ریزی بهتر در حوزه تخصیص زمان بندی ها متناسب با اهداف کلی رشته و اهداف خاص درس.</p> <p>- اصلاح نحوه ارزشیابی و سنجش مهارت های دانشجو</p> <p>- ضرورت ایجاد هماهنگی میان پژوهش ها و خروجی های علمی پایان ترم با ماهیت رشته و آموخته های ترم های مختلف<sup>۱</sup>.</p> <p>- دقت بیشتر در ارائه واحد در ترم های متناسب تر و همخوان با دیگر واحدهای درسی</p> <p>- دوری گزیدن از سلاقی فردی و نظرات شخصی و هماهنگ نمودن نتایج کار با اهداف و اصول تعریف شده در سرفصل دروس و رشته مورد نظر.</p> <p>- تفکیک دو رشته نگارگری و تذهیب و همچنین دو بعد نظری و عملی</p> <p>- تاکید بیشتر بر مبحث مهم طراحی سنتی به عنوان مبانی حوزه نگارگری و تذهیب.</p> <p>- ارائه منابع کارآمد برای کمک به تدریس بهتر واحد آموزشی.</p> <p>- بازبینی در ساختار شرح درس واحد آموزشی و ارائه منسجم تر و دقیق تر مطالب در این بخش</p>

نتیجه کلی حاصل از یافته های بخش کتابخانه ای و میدانی پژوهش حاضر در بُعد شناخت وضعیت موجود حاکی از ناکارآمدی و مشکلات متعدد واحد آموزش نگارگری در سرفصل مقطع کارشناسی صنایع دستی و ضرورت بازنگری منسجم آن است که در این راستا پیشنهاداتی نیز در این مقاله ارائه گردید. پژوهش حاضر تلاش نموده است تا با واکاوی یک نمونه موردی مشخص و دوری از کلی گویی در نوع خود در بردارنده اطلاعات سودمندی باشد که می تواند بسترساز بهینه سازی آموزش هنرهای سنتی باشد. با این وجود، طبیعتاً به جهت محدودیت های مقاله بخش هایی قابلیت تقویت و توسعه دارد. لذا واکاوی و سنجش کارآمدی دیگر واحدهای درسی سرفصل مقطع کارشناسی صنایع دستی و همچنین دیگر سرفصل های هنرهای سنتی و به طور کلی هنر از جمله پیشنهادات ارزشمند برای پژوهش های آتی است.

پیش طرح مقدماتی و پیشنهادی پژوهش برای بازبینی شرح درس کارگاه تخصصی ۶ (مینیاتور و تذهیب) در سرفصل مقطع کارشناسی صنایع دستی در بخش پیوست مقاله پس از منابع و مآخذ ارائه شده است.

### منابع و مآخذ:

آزند، یعقوب. (۱۳۸۰). نظام سنتی استاد-شاگردی در نقاشی ایران، نشریه هنرهای زیبا (هنرهای تجسمی)، شماره ۱۰. جمیری، وحیده؛ حاتمی، جواد؛ فتحی آذر، اسکندر و پاکدل فرد، محمدرضا. (۱۳۸۹). «بررسی میزان انطباق برنامه درسی رشته کارشناسی مهندسی معماری با نیازهای بازار کار در ایران». نشریه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، شماره ۲، ۴.

حافظنیا، محمدرضا. (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. ویراست ۲. (چاپ بیستم)، تهران: انتشارات سمت.

حجازی، معینه سادات؛ کرمی، ساغر. (۱۳۹۱). بررسی و بازنگری کارآمدی سرفصل‌های رشته صنایع دستی: نمونه موردی رشته صنایع دستی دانشگاه مازندران. مجموعه چکیده مقالات اولین همایش ملی آموزش عالی هنر، تهران: دانشگاه هنر.

دهدجانی، جواد. (۱۳۹۸). «نقش آموزش در توسعه کارآفرینی صنایع دستی ایران». نشریه علمی-پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، شماره ۳۳، ۳۰.

ساداتی، ناصر. (۱۳۹۴). «طراحی الگوی نظری برنامه درسی هنر مبتنی بر نظریه نمادها با رویکرد شناختی؛ مطالعه موردی: صنایع دستی». رساله دکتری رشته پژوهش هنر، دانشگاه هنر اصفهان. سیفی، ندا. (۱۳۹۵). «تأملی در رابطه استاد-شاگردی در آموزش هنرها با تأکید بر نظام سنتی». فصلنامه علمی پژوهشی نگر، شماره ۴۲، ۴۶-۳۲.

شایسته‌فر، مهناز. (۱۳۸۰). «ضرورت ایجاد هماهنگی بین موضوع‌های پایان‌نامه‌ها و درس‌های تدریس شده در طول سال‌های تدریس». نشریه جلوه هنر، شماره ۱۸ و ۱۹، ۲۲.

شایسته‌فر، مهناز. (۱۳۹۳). «اهمیت و لزوم پشتیبانی از صنایع دستی با تأکید بر ارائه راه‌کارها در رونق اقتصادی آن». دو فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، شماره ۲۰، ۱۲-۱.

صالحی‌پور، شهرزاد. (۱۳۹۲). «چالش‌های فراموش شده و دلالت‌های آن برای آموزش هنر در نقاشی ایرانی». فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء، شماره ۱۲، ۲۱.

طالبی، طهماسب؛ قاسمی، حسین. (۱۳۹۳). سیری در تاریخ آموزش و پرورش ایران و اسلام. سایه‌گستر مهرگان دانش، قزوین.

شریعتمداری، علی. (۱۳۷۲). چند مبحث اساسی در برنامه‌ریزی درسی، تهران: انتشارات سمت.

فتحی واجارگاه، کورش. (۱۳۷۷). اصول برنامه‌ریزی درسی، (چاپ اول). تهران: انتشارات ایران زمین.

فدایی، مریم. (۱۳۹۱). نگاهی به تاریخ صنایع دستی دوره معاصر، کتاب ماه هنر، شماره ۱۶۴.

فروغی‌نیا، مریم؛ سهرابی نصیرآبادی، مهین و محمدی، مهدی. (۱۳۹۸). «مطالعه تطبیقی نظام آموزش رسمی صنایع‌دستی ایران و ترکیه با رویکرد «صنایع فرهنگی خلاق»، نشریه مطالعات تطبیقی هنر. شماره ۱۷.

قربانی، شعبانعلی. (۱۳۹۵). «تبیین فرآیند طراحی جهت آموزش در رشته صنایع‌دستی (موردپژوهی رشته سرامیک)». رساله دکتری تخصصی رشته پژوهش هنر. دانشگاه هنر اصفهان.

علی‌نژاد، معصومه. (۱۳۹۱). جایگاه فرآیند آموزش خلاق در نظام آموزش عالی هنر: با تأکید بر دروس کارگاهی. مجموعه چکیده مقالات اولین همایش ملی آموزش عالی هنر، تهران: دانشگاه هنر.

کربن، هانری. (۱۳۶۳). آیین جوانمردی، ترجمه: احسان نراقی، تهران: نشر نو.

کیا، بیژن. (۱۳۸۷). «صنایع‌دستی و توسعه فرهنگی» نشریه آینه خیال، شماره ۱۲، ۲.

کیانمهر، قباد؛ آشوری، محمدتقی و قربانی، شعبانعلی. (۱۳۹۴). «تحلیلی بر وضعیت آموزش طراحی پایه در مقطع کارشناسی رشته صنایع‌دستی». نشریه نگره، شماره ۳۴.

ندیمی، حمید. (۱۳۸۹). «روش استاد-شاگردی از نگاهی دیگر». نشریه هنرهای زیبا (معماری و شهرسازی)، شماره ۴۴.

یاوری، حسین؛ نورماه، فروهر. (۱۳۸۶). نگرشی بر تحولات صنایع‌دستی در جهان. (چاپ اول)، تهران: انتشارات سوره مهر.

هوشیار، مهران. (۱۳۹۱). «بررسی نظام آموزش عالی در هنرهای صناعی ایران و پیشنهاد یک نظام نوین». رساله دکتری تخصصی رشته پژوهش هنر، دانشگاه شاهد تهران.

## سرفصل‌ها

سرفصل مقطع کارشناسی صنایع دستی تنظیم ۱۳۶۶، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

سرفصل مقطع کارشناسی کتابت و نگارگری تنظیم ۱۳۸۰، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

سرفصل مقطع کارشناسی هنر اسلامی تنظیم ۱۳۸۴، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

## مصاحبه‌ها

مصاحبه با متخصص ۱. (مشخصات: سن حدود ۴۸ سال، مدرس دانشگاه و دیگر مراکز آموزشی، حوزه تخصص: تذهیب، نگارگری، طراحی سنتی (تاریخ ۱۳۹۹/۴/۷)).

مصاحبه با متخصص ۲. (مشخصات: سن حدود ۵۸ سال، درجه یک هنری در رشته نگارگری (معادل دکترا) مدرس دانشگاه و هنرستان هنرهای زیبای اصفهان، حوزه تخصص اجرایی: نگارگری، تذهیب، هنرهای تلفیقی، طراحی سنتی. (تاریخ ۱۳۹۹/۴/۲)).

مصاحبه با متخصص ۳. (مشخصات: سن حدود ۶۰ سال، هیأت علمی گروه هنر اسلامی (مرتبه: استادیار)، پژوهشگر حوزه نگارگری، گل و مرغ، نقاشی پشت شیشه و نقاشی قهوه‌خانه‌ای. حوزه تخصص اجرایی: نگارگری، تذهیب (مصاحبه حضوری تاریخ: ۱۳۹۹/۲/۲۰).

مصاحبه با متخصص ۴. (مشخصات: سن حدود ۳۸ سال، هیأت علمی گروه صنایع دستی (مرتبه: مربی)، حوزه تخصص اجرایی: تذهیب، طراحی سنتی، هنرهای سنتی (تاریخ: ۱۳۹۹/۴/۲).

مصاحبه با متخصص ۵. سن حدود ۵۷ سال، هیأت علمی گروه صنایع دستی (مرتبه: استادیار)، پژوهشگر حوزه نگارگری، حوزه تخصص اجرایی: نگارگری، تذهیب (تاریخ: ۱۳۹۹/۴/۵).

Gunter. M. (۱۹۷۱). Langers Semantic View Of The Nonverbal Arts- Its Meaning For Art Education. *Studies In Art Education*. Vol ۱۲. No ۲. Pp ۳۴- ۴۱.

Gardner, H. (۱۹۹۴). *The Arts and Human Development: A Psychological study of the artistic process*. US. BasicBooks.

Eisner. E.W. (۱۹۷۱). Media, Expression and the Arts. *Studies in Art Education* Vol. ۱۳, No. ۱, pp. ۴-۱۲

Morris, w. (۲۰۰۰). *The Arts and Crafts of today*, edited by: Frank, issabelle, the theory of dearative artyale university press, new haven, p: ۷۰.

Bruner, J. (۱۹۶۱). *The Process of Education*. Massachusetts and Cambridge: Harvard University Press.

-<https://irancrafts.me/> - <http://arti.ir> - [iranianpath.com](http://iranianpath.com)